

مروری بر جرم اختلاس به عنوان یکی از جرایم خاص کارکنان دولت

علی احمدی^۱

چکیده

«جرایم خاص کارکنان دولت» جرایمی هستند که در تحقق آنها علاوه بر شرایط عمومی سایر جرایم، باید دو شرط دیگر نیز محقق شود به این ترتیب که مرتکب کارمند دولت باشد و ارتکاب جرم به اعتبار وظیفه اداری وی باشد. اختلاس در حقوق کیفری علاوه بر اینکه از جمله جرایم علیه اموال و مالکیت است، دارای جنبه‌هایی از جرایم علیه آسایش عمومی است. اختلاس عبارت است از «تصاحب همراه با سوءنیت اموال دولت یا اشخاص توسط مستخدم دولت که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته است، به نفع خود یا دیگری» با توجه به تعریف مذکور، وصف و خصوصیت مرتکب، سپرده شدن مال بر حسب وظیفه، تصاحب، سوءنیت خاص در ارتکاب جرم، تعلق مال به دولت و ایجاد ضرر برای دولت در اختلاس ضروری است. به رغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب آن در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد. ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، همچنان به عنوان عنصر قانونی جرم اختلاس، به قوت خود باقی است. هر گاه مختلس در زمان دادرسی و قبل از صدور حکم قطعی، وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف و اجرای مجازات حبس را معلق خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اختلاس، جرم، کارکنان دولت، تصاحب، سوءنیت، به نفع خود، ایجاد ضرر

مقدمه:

امروزه برای اداره‌ی جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی و بهره‌مندی مردم از مواهب و نعمت‌های موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال موجود در یک کشور در اختیار کارکنان دولت قرار می‌گیرد، این دسته از اموال و سرمایه‌ها را خطرات زیادی مورد تهدید قرار می‌دهد و همواره احتمال می‌رود که اموال دولت یا اموال اشخاص که برحسب وظیفه به کارمند دولت سپرده شده است، به‌نوعی مورد استفاده غیرقانونی واقع شود و برخلاف هدف مورد نظر، از آن بهره‌برداری شخصی شود و یا اینکه آن را به نفع خود یا دیگری تصاحب نماید. به‌منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های کارمندان دولت از سرمایه و اموال موجود در اختیار ایشان و تضمین هرچه بیشتر منافع دولت و ملت، قانون‌گذار درصد حمایت کیفری از این دسته از اموال و سرمایه‌ها برآمده است و افرادی را که متولی امور اجتماعی بوده و امکانات و دارایی‌های عمومی در اختیار آن‌هاست از دخل و تصرف برخلاف موازین قانونی و استفاده شخصی یا تصاحب آن‌ها به نفع خود یا دیگری ممنوع کرده است. این حمایت کیفری تحت عناوین مختلفی در قانون آمده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها «جرم اختلاس» می‌باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همانند قوانین اساسی سایر کشورها نمادی‌ترین و مهم‌ترین مطالب بیان گردیده، در اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف شده تا ثروت‌های ناشی از اختلاس را گرفته و حسب مورد به بیت‌المال یا صاحب حق برگرداند و در مواد ۵ و ۶ قانون تشدید نیز برای مرتکبین مجازاتی مقرر شده است. با این مقدمه به تشریح جرم اختلاس به‌عنوان یکی از جرایم خاص کارکنان دولت پرداخته می‌شود.

کلیات:

در جرایم مالی، مصلحت خزانة دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی است (میرسعیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۹۹). یکی از جرایم مالی خاص کارکنان دولت اختلاس می‌باشد. چون مرتکب این جرم صرفاً کارکنان دولت هستند ضرورت دارد قبل از تبیین جرم اختلاس، کارمند دولت تعریف گردد. کارکنان دولت اشخاصی هستند که در مراکز دولتی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی و دیگر موارد در قبال دریافت حقوق انجام وظیفه می‌نمایند:

- خواه مشمول قوانین و مقررات کار باشند؛
- خواه مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری باشند؛
- خواه مأموریت آن‌ها رسمی باشد؛ یعنی ثابت، مستخدمینی که ثابت‌اند؛
- خواه مأموریت آن‌ها غیررسمی باشد؛ مانند افراد روزمزد، پیمانی، قراردادی، خرید خدمت و مانند اینها؛
- خواه در قوه قضائیه، مجریه و مقننه فعالیت داشته باشند.

مستند به ماده ۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، کارمند دستگاه اجرایی^۱، فردی است که براساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیت دار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته میشود. همچنین به موجب نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مندرج در روزنامه رسمی مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۷، تمامی کارمندان دولت که رابطه استخدامی تحت هر عنوان (رسمی، پیمانی، قراردادی، خرید خدمت، روزمزد) با یکی از دستگاه‌های دولتی دارند، در زمره کارکنان دولت تعریف می‌گردند، بنابراین واژه کارمندان دولت را نمیتوان مختص به کارمندان دولت یعنی رسمی و یا به طور مخصوص قوه مجریه دانست. بلکه هرگاه که یکی از کارکنان قوای مجریه، قضائیه یا مقننه، صرف نظر از هرگونه ماهیت استخدامی، مرتکب یکی از جرایم مالی از جمله اختلاس گردد مشمول قوانین و مقررات مربوط می‌باشد.

با عنایت به مراتب فوق یک بازرس یا مقام قضایی رسیدگی کننده به گزارش مرتبط با اختلاس کارمند یا کارکنان دولت، ضرورت دارد که در بدو رسیدگی ببیند که مرتکب؛

- در کدام یک از واحدهای سازمانی اشتغال دارد؟

- مشمول قانون کار است یا مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری؟

- مشمول ماده ۵ قانون تشدید می‌باشد یا خیر؟

- و نیروی دولت هست یا خیر؟

شایان ذکر است که برای کشف جرایم اقتصادی و حوزه فساد مالی از جمله اختلاس، ضرورت دارد بازرسان، کارشناسان و قضات به صورت تخصصی انتخاب شوند و آموزش‌های متنوع و گسترده‌ای را طی کنند زیرا جرایم حوزه کارکنان دولت و اقتصادی یا فساد مالی، جزء جرایم نوین محسوب می‌شوند و در مواردی اگر افراد مرتبط با این قبیل جرایم آشنایی نداشته باشند، امکان دارد بعضی از رسیدگی‌ها و احکام صادره از ثبات قابل قبولی برخوردار نباشند.

مروری بر جرم اختلاس

اختلاس در لغت‌نامه دهخدا به معنای «زود بودن و سلب کردن» آمده است، در فرهنگ لغت، اختلاس به معنای «استلاب» آمده است. خلسُ الشیء اذا استبلته، اختلاس کردم شیء را؛ هنگامی است که سلب کرده‌ام آن را. (این گونه تفسیرها اقتضا می‌کند، اختلاس همان معنای استلاب را بگیرد و تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند. مختلس در عربی به فردی می‌گویند که با تردستی چیزی را بدزدد اما به اختلاسی که در فارسی به معنای خیانت در اموال عمومی و سوءاستفاده از آن می‌باشد، در عربی

۱- دستگاه اجرایی عنوان عامی است که در قانون مذکور برای کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است، از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، به کاررفته است (ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری).

«غلول» می‌گویند (نجف‌آبادی، ۱۳۵۳: ۱۱۳). اختلاس یکی از تعدیات کارمندان دولت و مأموران به خدمات عمومی است که به دلیل انجام وظیفه نسبت به اموال و وجوه عمومی و بیت‌المال یا متعلق به اشخاصی که به آن‌ها سپرده شده است، مرتکب می‌شوند. به عبارت دیگر، اختلاس نوع خاصی از خیانت‌درامانت است که مأموران دولتی از طریق تصاحب وجوه و اموالی که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است، مرتکب می‌شوند. در تعریف دیگری اختلاس به برداشت غیرقانونی اموال دولتی یا غیردولتی که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام می‌گیرد، گفته می‌شود. اختلاس گونه‌ای از کلاهبرداری محسوب می‌شود که بیشتر به صورت برنامه‌ریزی شده، منظم و پنهان و بدون رضایت و آگاهی دیگران انجام می‌پذیرد. نتیجه اینکه اختلاس یعنی «تصاحب همراه با مسئولیت اموال دولت یا اشخاص، توسط مستخدم دولت که برحسب وظیفه در اختیار وی قرار داشته است به نفع خود یا دیگری» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۱۹۴).

عناصر سه گانه جرم اختلاس:

۱- **عنصر قانونی:** عنصر قانونی این جرم، مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری است که مورخ ۲۸/۶/۱۳۶۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ با اصلاحاتی به تأیید و تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی رسیده است.

ماده ۵: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات، سازمان‌ها، شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهند شد.

تبصره ۱: در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا

۱ - منظور از اموال دولتی، مستند به نظریه مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه، اموالی که از بودجه عمومی کل کشور تهیه می‌گردد و در اختیار قوای سه گانه مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شورای نگهبان قرار می‌گیرد، می‌باشد. برای مثال، اگر کارمند دولت، گنج، درب و مانند اینها را که متعلق به دولت است در خانه شخصی خود مصرف و نصب کند، این عمل اختلاس محسوب می‌شود نه تصرف غیرقانونی. ضمن اینکه منظور اموال منقول است و اموال غیرمنقول مشمول اختلاس نمی‌گردد.

پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۳: هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

تبصره ۴: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعاتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵: هرگاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶: در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد، حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.

ماده ۶: مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور، چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر و یا هم طراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. عنصر قانونی جرم اختلاس و شروع به آن در حقوق ایران در حال حاضر مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می‌باشد.

به رغم تصویب قانون جدید تعزیرات در سال ۱۳۷۵ با عنایت به جامعیت قانون تشدید درباره اختلاس، ماده ۵ این قانون همچنان به عنوان عنصر قانونی جرم اختلاس به قوت خود باقی است، بنابراین نظریه برخی از نویسندگان (محمودی، ۱۳۷۷: ۲۲۰۳) مبنی بر لغو ماده ۵ توسط ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) کاملاً بی‌اساس است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۶۱۶۶- سال ۱۳۷۶ اشعار می‌دارد:

«آنچه در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری آمده و عنوان اختلاس دارد با موضوع ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات که مربوط به تصرف غیرقانونی است، جرایم جداگانه

هستند و ماده ۵۹۸ اخیرالذکر به قوت خود باقی است.»

یکی از حقوق دانان در این باره می‌گوید: «با عنایت به اینکه این قانون (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ و در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.) از هر لحاظ جامع و مانع بود؛ به همین دلیل در سال ۱۳۷۵ که قانون تعزیرات اصلاح شد، بحثی با عنوان اختلاس در قانون جدید پیش‌بینی نگردید و در حال حاضر رکن قانونی جرم اختلاس اموال دولتی مقررات ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می‌باشد» (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

تبیین مفهوم برخی از اصطلاحات ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

• **شوراهای:** منظور، شوراهایی است که با نظارت دولت اداره می‌شوند، همانند شوراهای شهر و روستا که زیر نظر ورزات کشور انجام وظیفه می‌کنند و از سال ۱۳۷۵ به موجب قانون شوراهای شهر و روستا، جانشین انجمن شهرها شدند. پس شوراهای صنفی مشمول این تعریف نیستند. شوراهای حل اختلاف، بخشی از آنان قضات هستند که حکمشان مشخص است و بخش دیگر افرادی هستند که رابطه استخدامی با قوه قضائیه ندارند، این افراد اگر رشوه بگیرند، مشمول ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^۱ هستند. شوراهای شهر و روستا، متشکل از اعضا و کارکنان هستند و کارکنان شوراها معمولاً کارمندان شهرداری هستند.

• **نهادهای انقلابی:** نهادهای انقلابی غالباً مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی هستند. براساس قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب سال ۱۳۷۳/۰۴/۲۹ و قانون الحاق بندهای (۱۱) و (۱۲) به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۱ این نهادها عبارت‌اند از: شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری‌ها باشد، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، صندوق کارآفرینی امید، سازمان جمعیت هلال‌احمر ایران، کمیته امداد امام خمینی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته ملی المپیک ایران، بنیاد پانزده خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، فدراسیون‌های ورزشی غیرحرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (قم)، جهاد دانشگاهی، بنیاد امور بیماری‌های خاص، سازمان دانش‌آموزی جمهوری

۱ - ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) - هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به‌عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

اسلامی ایران، صندوق بیمه روستاییان و عشایر، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی.

• **نهادهای نظارتی** مانند دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی کل کشور که از مصادیق سازمان‌های دولتی هستند.

• **کارکنان مؤسساتی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند؛** این مسئله نشان می‌دهد که این گونه مؤسسات، عمومی غیردولتی یا دولتی نیستند، مقصود این است که ممکن است مؤسسه‌ای، خصوصی باشد، اما وقتی دولت به آن‌ها کمک مستمر می‌کند، مانند آن است که به آن‌ها بودجه می‌دهد. لذا در بسیاری موارد مانند دانشگاه‌ها که دولت کمک مستمر به آن‌ها دارد، پس از صرف هزینه‌ها، اسناد آن‌ها به عنوان بودجه محاسبه می‌شوند. شرط شمول ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری نسبت به این مؤسسات آن است که کمک دولت، مستمر و در اداره مؤسسه مؤثر باشد. به همین دلیل وقتی جرمی واقع شد، ضرورت دارد بررسی شود که سال مالی آن، چه سالی بوده و سپس از مراجع مربوطه از جمله (سازمان برنامه‌بودجه) استعلام می‌شود که مثلاً در سال مالی ۱۳۹۳ چه میزان منابع مالی در اختیار مؤسسه فوق قرار گرفته است؟ شیوه برخورد دولت‌ها با این گونه مؤسسات مختلف است و لذا ممکن است دولتی کمک مستمر داشته باشد و دولت دیگر این کمک را قطع نماید لذا باید از میزان کمک دولت در سال مالی وقوع جرم استعلام شود.

• **دارندگان پایه‌های قضایی:** این افراد در مرتبه رئیس کل، رئیس حوزه قضایی، دادستان، رئیس امور مالی و قضات اجرای احکام قرار می‌گیرند.

• **مأمورین نیروهای مسلح:** این افراد مشمول قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح هستند. در زمان وضع قانون سال ۱۳۶۷ از حیث اختلاس، قانونی در خصوص مأمورین نیروهای مسلح نداشتیم، به همین دلیل در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به مأمورین نیروهای مسلح اشاره شده است؛ اما با توجه به وضع قانون، اگر مأموران نیروهای مسلح در راستای وظایفشان مرتکب اختلاس گردند، مشمول ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح^۱ هستند.

۱- ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ هر نظامی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیاء و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شود الف - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس تا یک میلیون ریال باشد به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهای مال مورد اختلاس و تنزیل یک درجه یا رتبه. ب - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهای مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه، ج - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهای مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای

• **مأمورین به خدمات عمومی:** در اینجا مقصود مأمورین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی است، به استناد قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵، مأمورین به خدمات عمومی از حیث جرایم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود، مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات زیر خدمت می کنند: ۱- مؤسسات خیریه که برحسب ترتیب وقف یا وصیت تولیت آن‌ها با پادشاه است. ۲- مؤسسات خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه که توسط دولت یا شهرداری اداره می شود. ۳- مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که زیر نظر دولت اداره می شود!

گفتنی است که براساس نظریه شماره ۷/۹۲/۵۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، با توجه به تعریف مأمورین به خدمات عمومی، کارمندان بانک‌های خصوصی نیز از جمله مأمورین به خدمات عمومی محسوب می شوند و چنانچه کارمند بانک خصوصی (شخص الف) وجوه دریافتی از مشتری را عمداً و با سوءنیت به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، عمل وی منطبق با جرم کلاهبرداری است زیرا مشتری این وجوه را برحسب انجام وظیفه کارمند بانک به وی می سپارد و درمورد شخص ب چنانچه عالمانه با تشکیل شرکت و افتتاح حساب بانکی مبادرت به همکاری با برادر خود نموده، معاون در این جرم محسوب می شود چون اقدامات شخص الف را تسهیل کرده است. ضمن اینکه ضرر و زیان‌های ناشی از جرم در دو مورد قابل مطالبه است: یکی ضرر مادی و دیگری منفعت ممکن‌الحصول که بر اثر وقوع جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود. بنابراین بانک (مدعی) باید نوع ضرر و دلایل اثبات آن را مشخص کند و در غیر این صورت دعوی او قابل پذیرش نیست.

نکته قابل توجه در اینجا، اینکه افرادی غیر از افراد احصا شده در این ماده، مشمول اختلاس نمی شوند. به طور مثال مأمورین ستاد اجرایی فرمان امام خمینی (ره) مشمول اختلاس نیستند، اما مشمول خیانت‌درامات می باشند.

• سپرده شدن مال: اختلاس از جمله جرایمی است که علاوه بر ویژگی مرتکب، اموال موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری باید به او سپرده شده باشد

مسئله. تبصره ۱- چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم می شود. تبصره ۲- هر کس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق‌الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد آن را خریداری یا در تزیین آن مساعدت نماید علاوه بر استرداد اموال یا حسب مورد مثل یا قیمت آن‌ها به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود. ۱- علی‌الظاهر قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی با تغییر و تصویب قانون مجازات اسلامی، از تاریخ ۱۳۹۳/۸/۳ منسوخ گردیده است. لیکن مستند به نظریه مشورتی ۷/۹۲/۲۵۴۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، منظور از مؤسسه یا کارمند مأمور به خدمات عمومی، مواردی است که تحت نظارت دولت عهده‌دار یک یا چند امر عمومی بوده و خدمات آن جنبه عام‌المنفعه دارد.

و این سپردن نیز حسب وظیفه باشد. سپرده شدن به معنی تسلیم و تحت تصرف قرار دادن مال است. وقتی مال به کسی سپرده می‌شود، رابطه حقوقی امانت‌آور بین امانت‌گذار و امین ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر تا سپرده شدن واقع نشود، جرم از شمول خیانت‌درامانت و اختلاس خارج است. رکن مهم جرم اختلاس و خیانت‌درامانت، سپرده شدن مال است، در غیر این صورت به جای تصاحب مال توسط امین، بحث انتقال مال غیر یا کلاهبرداری مطرح می‌شود و در باب تلف، نام جرم تخریب عنوان می‌گردد؛ تسلیم مال در اختلاس ممکن است مادی یا واقعی باشد: در صورتی مادی است که به‌طور مادی و در قالب قبض و اقباض، مورد تصرف کارکنان قرار گیرد و یا اعتباری یا حکمی باشد، در مواردی که به برخی از تسلیم‌ها اعتبار بخشیده می‌شود. تسلیم اعتباری، عبارت است از اینکه مال بنا بر ملاحظات قانونی تحت تصرف کارکنان دولت قرار گیرد؛ مانند اینکه وقتی در چارچوب اداری، شخص به سمتی منصوب می‌شود، با پذیرش این سمت، مثل این است که مال به وی تسلیم شده است. اکثر پرونده‌ها نیز در چنین نقاطی تشکیل می‌شود.

دو نکته در خصوص مرتکب

۱- چنان که می‌دانیم کارکنان قوه قضاییه متشکل از اجزایی است که به‌عنوان قضات مشغول انجام وظیفه هستند و یا افرادی که مناصب اداری محاکم را دارا می‌باشند. کارکنان قوه مقننه نیز دارای دو ماهیت کاملاً متفاوت هستند، زیرا کارکنان این قوه نیز متشکل از نمایندگان ملت (اجزاء فنی) و اجزاء اداری نظیر کارکنان ثابت مجلس شورای اسلامی می‌باشند، بدیهی است اگر وجوه عمومی در اختیار هر یک از کارکنان فوق قرار گیرد و موظف به نگهداری آن باشند اما آن را به‌نفع خود یا دیگری تصاحب کنند، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان «مختلس» تحت تعقیب و مجازات قرار داد.

۲- مقنن اعمال کارمند و مأموران نیروهای مسلح را در صورتی که وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام یا اسناد و مانند اینها را به‌نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، مشمول ماده ۵ قانون تشدید مجازات جرایم ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نموده، درحالی که همین مقررات در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ پیش‌بینی شده است.

بنابراین با توجه به اینکه دادگاه‌های نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه پرسنل ارتش، سپاه پاسداران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آن و اعضای بسیج سپاه و دیگر موارد رسیدگی می‌نمایند، لذا ذکر عبارت «همچنین نیروهای مسلح» مندرج در ماده ۵ قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، سالبه به انتفاع موضوع است و عملاً قابلیت اجرا ندارد.

ویژگی‌های تسلیم مال در اختلاس:

۱- تسلیم مال باید در قالب سپرده شدن به نحو قانونی در چارچوب مقررات اداری و بدون اجبار و اکراه صورت گیرد. سلسله‌مراتب در ادارات بدین گونه است که وقتی رئیس اداره به کارمندان

دستور می‌دهد تا درجایی مشغول به کار شوند دیگر به حکم کارگزینی نیاز ندارد و آن‌ها موظف به تبعیت از دستورند. زمانی که شخص در قسمتی گمارده شد و آن را پذیرفت، تبعات آن را نیز پذیرفته است.

۲- بین سپردن مال و وظیفه رابطه علیت برقرار باشد. در صورتی که کارکنان دولت بنا بر ملاحظات و اقتضای شغلی بر اموال دولت دسترسی داشته باشند، بی‌آنکه آن اموال به آنان سپرده شده باشد، تصاحب نسبت به آن اموال مشمول بزه سرقت می‌باشد نه اختلاس بنابراین بسیاری از اموالی که کارکنان دولت می‌برند اختلاس نیست، بلکه سرقت است زیرا کارمند به اموال دسترسی دارد و اموال به وی سپرده نشده است.

لازم به ذکر است هر جا رابطه حقوقی امانت آور زایل گردد، یعنی ید امانی تبدیل به ید مالکانه شود، اختلاس دیگر معنی ندارد. همانند واگذاری خودروهایی دولتی به کارکنان دولت با مجوز هیئت وزیران که موجب استبدال ید امانی به ید مالکانه می‌گردد.

متصرف مال مورد اختلاس: متصرف مال موضوع جرم اختلاس باید دولت باشد.

مالک مال مورد اختلاس ممکن است دولت یا اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی باشند. تعلق مال به دیگری ممکن است از لحاظ مالکیت باشد یا تصرف قانونی. مجرم ممکن است نسبت به مالکیت افراد متعرض شود یا نسبت به اموالی که تحت تصرف قانونی آن‌ها است. در اختلاس لازم نیست حتماً دولت مالک باشد، آنچه مهم است، این است که متصرف قانونی در اموال، دولت باشد. بسیاری از اموالی که نزد بانک‌ها است، متعلق به مردم است، اما تحت تصرف دولت می‌باشد. اموال چه از طریق بودجه، پرداخت‌های مردمی یا کمک‌های مردمی به دست دولت برسد، از آنجایی که با توجه به قانون محاسبات، باید در حساب خزانه منظور شوند، دولتی محسوب می‌گردند.

نقش وسیله، در تحقق جرم اختلاس: جرایمی مانند کلاهبرداری که در آن‌ها، وسیله، هم شرط تحقق جرم و هم شرط نتیجه جرم می‌باشد، زمانی محقق می‌شود که در آن، استفاده از وسیله متقلبانه وجود داشته و مال باخته نیز مال خود را در اثر همین به کار بردن وسیله متقلبانه، تحویل کلاهبردار داده باشد. اگر شخصی وسیله متقلبانه به کار برده باشد و مال باخته، علم به تقلب داشته اما به‌دلیلی دیگر (غیر از به کار بردن وسیله متقلبانه) مال را تحویل شخص داده باشد، جرم کلاهبرداری محقق نخواهد شد. لیکن برخی جرایم وجود دارند که در آن، وسیله نه شرط تحقق آن جرایم و نه شرط نتیجه آن‌ها است بلکه از موجبات تشدید یا اشتداد مجازات است: اختلاس توأم با جعل، یکی از این مصادیق است. طبق تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید، اختلاس توأم با جعل موجب تشدید مجازات می‌گردد. اختلاس توأم با جعل، عنوان مجرمانه خاصی است که مشمول مقررات تعدد نیز نمی‌گردد. اختلاسی توأم با جعل محسوب می‌شود که برداشت و تصاحب منوط به جعل در اسناد باشد. در بسیاری از موارد ممکن است اختلاس واقع شود و مرتکب برای واقعی جلوه دادن موضوع، مؤخر بر اختلاس، اسنادی را جعل نماید

که نمی‌تواند اختلاس توأم با جعل تلقی گردد. در این گونه موارد باید اختلاس و جعل را به صورت مجزا مورد رسیدگی قرار داد و مقررات تعدد جاری خواهد شد.

۲- عنصر مادی: عنصر مادی جرم اختلاس، عبارت است از اینکه مأمور دولت، مالی را که برحسب وظیفه به او سپرده شده، تصاحب و با آن برخورد مالکانه داشته باشد. پس موضوع مادی جرم اختلاس، مال و اسناد مالی مانند سهام، حواله، اوراق مشارکت و نظایر آن را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر شرط تحقق اختلاس این است که موضوع اختلاس حسب وظیفه در اختیار شخص اداری قرار گرفته باشد، بنابراین چنانچه کارمند، مالی حسب وظیفه در اختیارش نباشد ولی آن را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید عمل او اختلاس نیست بلکه مشمول عناوین جزایی دیگر است (مهاجری، ۱۳۷۹:۳۰۸).

در این حال، لازم است تا اولاً: مال به کارمند سپرده شده باشد حال فرق نمی‌کند که بودن مال در اختیار وی به دلیل سپردن مال به وی باشد یا مقتضای وظیفه‌اش، بودن اموال در اختیارش می‌باشد یا اینکه خودش آن را اخذ کرده است. ثانیاً: همه این اعمال باید به حسب وظیفه باشد. یعنی حیازت و اختیار اموال اختلاس شده بر عهده کارمند مختلس بوده است و معیار در اختیار وی بودن، زمان اختلاس است. به عبارت دیگر، وقتی جرم اختلاس تحقق می‌یابد که مال دولت یا اشخاص دیگر به حسب وظیفه در اختیار وی باشد؛ بنابراین اگر کارمند دولت باشد اما قبل از حیازت بر مال یا بعد از سلب حیازت از مال، اموال را تصاحب کند، مختلس شمرده نمی‌شود. مرتکب می‌بایست نسبت به مال و یا اشیاء دیگری که به حسب وظیفه به او سپرده شده خیانت کند لذا صرف قصد موجب تعقیب کیفری نیست و عمل ارتكابی است که عنوان جرم دارد. با مقایسه ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود که مقنن در جرم اختلاس دو خصوصیت «مأمور دولت» و «برحسب وظیفه» را به جرم خیانت در امانت به مفهوم اخص اضافه نموده است (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). به عبارت دیگر یکی از فروض جرم خیانت در امانت به معنای خاص، جرم اختلاس می‌باشد که اختلاف آن با خیانت در امانت آن است که مرتکب آن مأمور دولت بوده و نسبت به اموال متعلق به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت گذاشته شده و به حسب شغل یا مأموریت نزد وی می‌باشد مرتکب خیانت می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). به اعتقاد برخی حقوق دانان عبارت «... و یا سایر اموال متعلق به هر یک از...» ماده ۵ قانون تشدید، بیانگر آن است که مال مادی می‌تواند منقول یا غیر منقول باشد و موضوعیتی برای منقول بودن مال وجود ندارد. همچنین اختلاس، خیانت در امانت کارکنان دولت می‌باشد، چون طبق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی^۱

۱ - ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) - هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا

(تعزیرات) خیانت‌درامانت، ناظر بر اموال منقول و غیر منقول است پس اختلاس شامل اموال غیر منقول هم می‌شود.

همچنین از واژه «تصاحب» در ماده ۵ قانون تشدید و ماده ۶۷۴ استفاده کرده‌اند که اعم از منقول و غیر منقول است. این نظر اقلیت حقوق دانان بوده و برخلاف رویه قضایی و نظر اداره حقوقی است. نظر به مراتب فوق و در پاسخ به موارد مذکور می‌توان چنین استدلال کرد که:

۱- اختلاس در فقه عبارت است از: ربودن مال از غیر از حرز که خود بیانگر قابلیت نقل و انتقال مال است.

۲- تمام مصادیق مذکور در ماده ۵ قانون تشدید اشاره به اموال منقول دارد و اتفاقاً ذکر عبارت «... و یا سایر اموال متعلق به هر یک از...» به همین اموال اشاره دارد؛ زیرا نمی‌توان در قوانین، مصادیق اموال منقول را ذکر نمود، ولی سپس نتیجه‌گیری مغایر با آن دسته از اموال کرد و سایر اموال را به دسته دیگری از اموال تسری داد. (اگر قانون‌گذار می‌خواست اشاره به تمامی اموال اعم از منقول و غیر منقول داشته باشد، باید می‌گفت: هر کس اموال متعلق به دولت را برداشت و تصاحب نماید، درحالی که قانون‌گذار ابتدا ذکر مصادیق کرده است)

۳- رفتار پیش‌بینی شده از سوی مرتکب در ماده قانون تشدید نیز گویای منقول بودن مال است. قانون‌گذار گفته است «برداشت و تصاحب» زمانی که می‌گوید «برداشت» یعنی مال منقول را در نظر داشته است.

۴- اصل بر حمایت کیفری از اموال منقول است؛ زیرا این اموال است که در معرض تضییع و تلف قرار دارند و حمایت کیفری از اموال غیر منقول، نیاز به تصریح دارد.

۵- هر چند اختلاس، خیانت‌درامانت کارکنان دولت است، اما خیانت‌درامانت در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^۱ مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ اختلاس متعاقب آن در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، جرم‌انگاری گردید، ناظر بر اموال منقول بود و قانون‌گذار به همین دلیل، ماده ۵ قانون تشدید را به تصویب رساند. ماده ۵ قانون تشدید در سال ۱۳۶۷ تصویب شد و در آن زمان، قانون تعزیرات ۱۳۶۲ حاکم بود. در آن زمان در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ خیانت‌درامانت تنها شامل اموال منقول می‌شد و قانون‌گذار در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ تصریح کرده که

متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱ - ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ هرگاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و ابنیه یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و غیره به‌عنوان اجازه یا امانت یا رهن و یا آنکه برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

خیانت‌درامانت شامل اموال غیرمنقول نیز می‌گردد.

۶- رویه قضایی و نظریه اداره حقوقی تماماً دلالت بر منقول بودن مال موضوع جرم اختلاس دارد.
 ۷- اموال غیرمنقول می‌بایست طبق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک^۱ در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد، ولی در باب اموال غیرمنقول متعلق به دولت، طبق مواد ۱۱۷-۱۱۵ و ۱۲۰ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶^۲ هرگونه نقل و انتقالی نیاز به مجوز هیئت وزیران دارد.

نظر ارجح، منقول بودن است. لذا اگر هم‌نظر بر تعمیم باشد، طبعاً در مراجع بالاتر نقض خواهد شد. البته این به معنی آن نیست که در صورت تعدی کارمند دولت نسبت به اموال غیرمنقول دولتی، شاخص را مورد تعقیب و مجازات قرار نداد، بلکه باید به دنبال انطباق عناوین مجرمانه دیگری گشت، مثلاً می‌توان مرتکب را از باب انتقال مال غیر^۳ مجازات کرد که مجازاتش تقریباً همان مجازات اختلاس

۱- ماده بیست و دوم قانون ثبت اسناد و املاک، همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارث به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت. در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وراثت ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آن‌ها محرز و در سهم الارث بین آن‌ها توافق بوده و یا در صورت اختلاف حکم نهائی در آن باب صادر شده باشد. تبصره - حکم نهائی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوائی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعای مختومه محسوب شود.

۲- ماده ۱۱۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ فروش اموال غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که مازاد بر نیاز تشخیص داده می‌شود به استثناء اموال غیرمنقول مشروحه زیر ۱- اموال غیرمنقولی که از نفایس می‌باشد ۲- تأسیسات و استحکامات نظامی و کارخانه‌های اسلحه و مهمات‌سازی ۳- آثار و بناهای تاریخی ۴- اموال غیرمنقول که در رابطه با مصالح و منافع ملی در تصرف دولت باشد که فروش آن‌ها ممنوع می‌باشد بنا به پیشنهاد وزیر مربوط با تصویب هیئت وزیران و با رعایت سایر مقررات مربوط مجاز می‌باشد وجوه حاصل از فروش این قبیل اموال باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. تبصره ۱ در مورد مؤسسات دولتی که زیر نظر هیچ‌یک از وزارتخانه‌ها نیستند و به طور مستقل اداره می‌شوند پیشنهاد فروش اموال غیرمنقول مربوط در اجرای این ماده از طرف بالاترین مقام اجرایی مؤسسات مذکور به عمل خواهد آمد. تبصره ۲ فروش اموال غیرمنقول شرکت‌های دولتی به جز اموال غیرمنقول مستثنی شده در این ماده با تصویب مجمع عمومی آن‌ها مجاز می‌باشد. ماده ۱۱۷ قانون محاسبات عمومی کشور - اموال غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به پیشنهاد وزیر یا رئیس مؤسسه مربوط و با تصویب هیئت وزیران قابل انتقال به شرکت‌هایی که صددرصد سهام آن‌ها متعلق به دولت است می‌باشد. اموال مزبور توسط کارشناس یا کارشناسان منتخب مجمع عمومی شرکت به قیمت روز ارزیابی و پس از تأیید مجمع عمومی سرمایه شرکت معادل قیمت مذکور افزایش می‌یابد. ماده ۱۲۰ قانون محاسبات عمومی کشور، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی می‌توانند پس از تصویب هیئت وزیران حق استفاده از اموال غیرمنقول دولتی مازاد بر احتیاج خود را به طور موقت به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی واگذار نماید. در این صورت مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی انتقال گیرنده بدون اینکه حق تصرف مالکانه داشته باشند مسئول حفظ و حراست اموال مذکور بوده و باید پس از رفع نیاز عین مال را به وزارتخانه یا مؤسسه دولتی ذی‌ربط اعاده و مراتب را به وزارت امور اقتصادی و دارایی اطلاع دهند ۳- ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیراست به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد. اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بابت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند.

است. یا اینکه ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۱ که در آن، قانون گذار صراحتاً عدم

۱ - ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت: کلیه اراضی، املاک و ابنیه‌ای که برای استفاده وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی از جمله مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع مقررات و قوانین خاص است به یکی از طرق قانونی تملک شده است و یا به نام آن وزارتخانه، مؤسسه خریداری شده یا می‌شود متعلق به دولت بوده و در اسناد مالکیت آن‌ها نام دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مالک با حق استفاده وزارتخانه یا مؤسسه مربوط درج می‌گردد. تغییر دستگاه بهره‌بردار در هر مورد به عهده هیئت‌وزیران می‌باشد. کلیه اسناد، سوابق، مدارک موجود مرتبط با این اموال در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی (اداره کل اموال دولتی) قرار می‌گیرد و درخصوص واگذاری حق استفاده از ساختمان‌های مازاد دستگاه‌های مذکور مطابق بند (ب) ماده ۸۹ این قانون اقدام خواهد شد. تبصره ۱- اراضی ملی و دولتی و منابع طبیعی که حسب اختیارات قانونی دستگاه‌ها برای واگذاری به‌منظور مصارف عمومی یا اختصاصی اشخاص غیردولتی در اختیار آن‌ها می‌باشد و تاکنون واگذار نشده از جمله اراضی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی موضوع مواد ۳۱ و ۳۲ لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی احیاء و واگذاری اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۱ شورای انقلاب و اراضی موضوع قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲ تابع مقررات مربوط است و چنانچه دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع قوانین و مقررات خاص است برای نیازهای عمومی و عمرانی و یا عوض آن نیاز به این اراضی داشته باشند در حدی که به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد با رعایت مفاد این ماده به‌صورت بلاعوض در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت. درمورد اراضی واگذار شده توسط گروه‌های مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مذکور و هیئت‌های واگذاری زمین مشروط بر آنکه مطابق طرح مصوب احیاء گردیده‌اند چنانچه در داخل حریم و محدوده قانونی شهرها قرار گرفته و مالکیت اراضی به وزارت مسکن و شهرسازی یا سازمان‌های تابعه منتقل گردیده وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان‌های تابعه مکلفند اسناد این اراضی را باقیمت لحاظ کردن ارزش افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط سرمایه‌گذاران به آنان منتقل نمایند. تبصره ۲- فروش و واگذاری املاک و اراضی که دولت حق استفاده از آن‌ها را در اختیار شرکت‌های دولتی قرار داده است نیز موکول به تصویب هیئت‌وزیران است مگر آنکه موردنیاز دستگاه‌های این ماده باشد که به ترتیب مقرر در آن در اختیار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار می‌گیرد. تبصره ۳- نحوه تنظیم اسناد اراضی و سایر اموال غیرمنقول طرح‌های عمرانی موضوع ماده ۱۱۳ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ که مجری آن وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی می‌باشند تابع مقررات این ماده خواهد بود. تبصره ۴- تعیین بهره‌بردار، بهره‌برداری، چگونگی تنظیم سند عرصه و اعیان املاک و اراضی که برای استفاده دولت و یا مؤسسات دولتی وقف‌شده است با رعایت وقف نامه‌های مربوط تابع ترتیبات مقرر در این ماده خواهد بود. تبصره ۵- واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک این قانون به نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه با تصویب هیئت‌وزیران در جهات تحقق اهداف و احکام برنامه‌های پنج‌ساله و قوانین مربوط امکان‌پذیر خواهد بود. پس از رفع نیاز آن‌ها به تشخیص وزارتخانه مربوط و تصویب هیئت‌وزیران، ملک یا زمین مورد واگذاری به دولت اعاده خواهد شد. تبصره ۶- چنانچه املاک و اراضی که به‌موجب وظایف قانونی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی در اختیار این سازمان قرار گرفته است، موردنیاز دستگاه‌های دولتی باشد، حسب مورد با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل و تصویب هیئت‌وزیران و با رعایت شرایط این ماده در اختیار آن دستگاه قرار می‌گیرد. سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مکلف است برای تسهیل در اجرای این ماده فهرست اموال غیرمنقول در اختیار خود را به هیئت دولت ارائه نماید. تبصره ۷- عدم اجرای این قانون توسط هر یک از مقامات و کارمندان در حکم تصرف غیرمجاز در اموال دولتی محسوب می‌شود. تبصره ۸- به‌منظور فراهم آوردن موجبات تسریع در رفع اختلافات مربوط به ساختمان‌ها، تأسیسات و اراضی وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و نهاد‌های عمومی غیردولتی، نیروهای نظامی و انتظامی که در گذشته براساس نیازها و ضرورت‌های مختص اوایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، بدون اخذ مجوز قانونی و موافقت متصرف پیشین یا با موافقت آن تصرف گردیده و در حال حاضر موردنیاز متصرفان پیشین می‌باشد کمیسیونی مرکب از نمایندگان تام‌الاختیار وزرای امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نماینده تام‌الاختیار وزرا یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه‌های مستقل طرف اختلاف با مسئولیت معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور تشکیل گردد. اجرای حکم این ماده درمورد ساختمان‌هایی که مورد تصرف نهادها و نیروهای مسلح زیر نظر مقام معظم رهبری است با

رعایت تشریفاتِ ناظر بر نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول را مستوجب مجازات تصرف غیر قانونی در اموال دولتی قرار داده است. یکی از شرایطی که در عنصر مادی جرم اختلاس ناظر بر کارکنان دولت موضوعیت دارد این است که: کارمند در معنی استخدامی؛ مشمول قانون کار یا مدیریت خدمات کشوری باشد و در معنی وجود مأموریت؛ از جمله مستخدمین رسمی یا غیر رسمی تحت عنوان پیمانی، قراردادی، روزمزد و مانند اینها باشد. اختلاس از جمله جرایمی است که مرتکب آن باید یکی از اشخاص مندرج در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری باشد. پس شرط تحقق جرم، منوط به وجود شخصیت خاص برای مرتکب است.

رفتار مجرمانه: رفتار در جرم اختلاس، به عنوان عنصر مادی، فعل مادی مثبت است. ترک فعل نمی تواند رفتار جرم اختلاس باشد. این فعل مادی مثبت در قالب برداشت و تصاحب ظاهر می شود به معنی وضع ید بر مال و خارج کردن مال از حیطه تصرف دولت است، ماده ۷۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ گفته است برداشت یا تصاحب، اگر این چنین بود امکان داشت اختلاس را به اموال غیر منقول نیز تسری داد؛ اما ماده ۵ قانون تشدید می گوید برداشت و تصاحب. اینکه برداشت و تصاحب باهم اشتراک لفظی دارند یا اینکه برداشت نسبت به اموال منقول و تصاحب نسبت به اموال غیر منقول است و یا اینکه برداشت، استفاده غیر مجاز، تصرف غیر مجاز و یا مرادف با تصاحب است، بحث هایی است که بیشتر جنبه تئوری دارد و برای بازرسی یا مقام رسیدگی کننده به پرونده مفید فایده نیست.

چند نکته در خصوص مفهوم برداشت و تصاحب در اختلاس؛

نکته اول؛ جوهره جرم اختلاس به تغییر نیت کارکنان برمی گردد. به این دلیل، کارکنان دولت نسبت به اموال سپرده شده، حیازت ناقصه ای دارند و در چارچوب آن، حق دخل و تصرف به طور محدود را دارا می باشند. هر زمان که با تغییر نیت، حیازت ناقصه به حیازت کامل تبدیل گردد، به عبارتی مرتکب با مال، بر خورد مالکانه نماید، اختلاس واقع شده است. معیار، «بر خورد مالکانه» است، چه به نفع خود یا به نفع دیگری، بر خورد مالکانه در فرم های مختلف قابل تصور است؛

- گاهی در قالب واریز وجه به حساب همسر، فرزند و دوست است؛

- گاهی در قالب خرید سهام دولت است؛

رعایت نظر موافق آن مقام خواهد بود. آرای صادره کمیسیون فوق الذکر برای دستگاه های اجرایی ذی ربط لازم الاجرا است. در صورت عدم اجرای آراء مذکور در مهلت تعیین شده به هر دلیل توسط دستگاه های اجرایی ذی ربط، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مکلف است معادل ارزش قیمت روز مایملک مورد تصرف را بنا به پیشنهاد کمیسیون مذکور بر حسب مورد، بدون الزام به رعایت محدودیت های جابه جایی در بودجه جاری و عمرانی، از بودجه سنواتی دستگاه مذکور کسر و به بودجه دستگاه اجرایی ذی نفع اضافه نماید. تبصره ۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اسناد اراضی و املاک دولتی را بر اساس این قانون و یا اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی و بدون نیاز به اخذ نظر سازمان متصرف و یا سازمانی که اسناد مالکیت را در اختیار دارد اصلاح و سند جدید صادر می نماید. با صدور سند جدید، اسناد قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. تبصره ۱۰ وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است بانک اطلاعاتی جامع از اراضی و املاک دولت موضوع این قانون با استفاده از تجهیزات رایانه ای تهیه و در اختیار دستگاه های اجرایی قرار دهد.

- گاهی در قالب انتقال به خارج از کشور است؛

- گاهی در قالب خرید آپارتمان و ... است؛

- در وجوه نقد، سهام بی نام و اوراق مشارکت، برداشت به منزله تصاحب محسوب می شود.

نکته دوم؛ محروم کردن دولت از اموالش، ممکن است به طور دائم یا موقت باشد. هر چند در اختلاس، محرومیت موقت دولت و استرداد وجه به نفع دولت، در میزان مجازات مرتکب اثرگذار می باشد. تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید «هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد» اگر هم همه را برنگرداند، ممکن است از طریق مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی^۱ مشمول تخفیف شود.

نکته سوم؛ در خصوص میزان مال اختلاس شده و نحوه برداشت آن، به کارشناس رسمی دادگستری در امر حسابداری ارجاع می گردد. اگر پرونده سنگین است که شامل موضوعات بانکی، مالی و اموری نظیر جعل سند است، می توان همان ابتدا به هیئت سه نفره (بانکی، مالی و اصالت سند) ارجاع داد.

نتیجه مباحث مرتبط با عنصر مادی اختلاس حکایت از این دارد که جرم اختلاس از جرایم مقید است. در این حال، ممکن است دو نتیجه از اختلاس حاصل شود: الف- نفع مرتکب یا دیگری؛ ب- ایراد ضرر به دولت؛ به عبارت دیگر، ایراد ضرر به دولت موضوعیت دارد، قطع نظر از اینکه مرتکب یا دیگری، نفع برده یا نبرده باشند. ایراد ضرر به دولت، نتیجه قهری خارج شدن مال از حیطه تصرفات دولت است. تا مال خارج می شود (رفتار ارتكابی در اختلاس)، نتیجه (ضرر به دولت)، حاصل می گردد. نتیجه غیر از رفتار مجرمانه است. در بسیاری از کتب نوشته اند: نتیجه کلاهبرداری، بردن مال دیگری است، در حالی که بردن مال دیگری، رفتار مجرمانه است و نتیجه، ایراد ضرر به مالک است. ولی چون نتیجه قهری بردن، ایراد ضرر است، می گویند نتیجه، بردن مال دیگری است. به این اعمال: جرایم فعل مدار گفته می شود، یعنی با تحقق فعل، ضرر هم واقع می شود. به خلاف قتل زیرا قتل، نتیجه مدار است

۱ - ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی - در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، جهات تخفیف عبارت اند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کاررفته برای ارتکاب آن پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند. تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

یعنی باید در اثر ایراد صدمه بدنی، نتیجه سلب حیات حادث شود. نتیجه (سلب حیات) ممکن است با رفتار ارتكابی (ایراد صدمه بدنی) حادث شود یا حادث نشود، اما در جرایم فعل مدار، با رفتار مرتکب در اکثر مواقع نتیجه قهری یعنی ایراد ضرر واقع می شود. به صرف خارج شدن مال از حیطه تصرفات، ضرر محقق می شود، ولو فرع بر خارج شدن مال از حیطه تصرفات، شخص منتفع گردد؛ مانند اینکه شخصی قناتی داشته که هزینه نگهداری بالایی دارد و شخصی قنات را از تصرف وی خارج می کند که در نتیجه آن، این هزینه‌ها از عهده وی برداشته می شود.

۲- عنصر معنوی:

اختلاس از جرایم عمدی است و برای تحقق عمد، لازم است که تصاحب یا از بین بردن مال متعلق به دولت یا اشخاص که در ید امانی مرتکب بوده است، معلول سوءنیت و قصد آگاهانه کارمند باشد و به علاوه باید متضمن انتفاع شخص مختلس یا شخص دیگری هم باشد، به عبارت دیگر تحقق عنصر روانی جرم مؤکول به وجود عمد عام مرتکب در تصاحب مال و وجود سوءنیت خاص در اضرار دولت یا افراد دیگر است؛ اما هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا اشتباه در محاسبه از ناحیه صندوق داران مبلغی از وجوهی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده کسری حاصل گردد، این اندازه اقدام مرتکب، به علت فقدان قصد مجرمانه اختلاس محسوب نمی شود، هر چند ممکن است موجب مسئولیت مدنی صندوق دار گردد. به علاوه برای جبران این قبیل اشتباه‌ها معمولاً مبلغ جزئی به عنوان کسر صندوق به آنان پرداخت می شود. در مورد سایر کالاهای تبخیر شدنی نیز کسری متعارفی برای انبارداران در نظر گرفته می شود (ولیدی، ۱۳۷۳: ۳۱۵).

برای تحقق جرم اختلاس لازم است تا وقوع جرم و سوءنیت و یا اتلاف عمدی احراز شده باشد. این جرم نیز همانند سایر جرایم دارای دو سوءنیت عام و خاص است: سوءنیت عام در جرم اختلاس همان قصد برداشت و تصاحب اموال و اشیاء به نفع خود یا دیگری است و سوءنیت خاص تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار به دولت می باشد. در واقع باید بین عمل مرتکب و حصول نتیجه که همان تحصیل مال یا نفعی است رابطه علیت موجود باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۸).

اداره حقوقی قوه قضائیه با تأکید بر لزوم احراز سوءنیت می گوید: «مأموران و مستخدمین دولتی که اموال، وجوه و یا سایر اشیاء دولتی متعلق به بیت‌المال که به حسب وظیفه به ایشان سپرده شده است را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نمایند مشمول مقررات تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری خواهند بود. در صورت عدم احراز سوءنیت و وقوع جرم یا اتلاف غیر عمدی با توجه به مسئولیت ناشی از امانت و مقررات قانون مسئولیت مدنی و سایر قوانین موضوعه با آنان رفتار خواهد شد (کشاورز، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

یکی از شعب دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود می گوید: «تنها وجود کسر در وجوه ابواب جمعی که ممکن است این کسر جهات دیگری غیر از اختلاس داشته باشد و همچنین عجز جمعدار از

اثبات دعوی فقدان هیچ یک ملازمه با اختلاس ندارد بلکه اصولاً دادگاه باید اقدام متهم را به اختلاس احراز نماید.» بنابراین اشخاصی که وجوه نقدی یا مطالبات یا حواله یا سهام و اسناد و اوراق بهادار نزد آنها است، صرف امتناع از رد آنها ولو بعد از مطالبه یا عجز از دادن حساب باشد، دلیل قاطع بر قصد اختلاس نیست چه بسا ممکن است مأمور دولتی به واسطه اشتباهات یا روشن کردن موارد خرج یا علل دیگری که هیچ یک ملازمه با تصاحب ندارد، تأخیر در دادن حساب بنماید و این امر را نمی توان دلیل بر اختلاس دانست. یکی از مواردی که ممکن است در انبار جمع‌داری کسری به وجود آید و آن کسری معلول اختلاس نباشد کسری معروف به «کسر تبخیر» است، نظیر این کسری در صندوق نقدی منظور می شود که از حدود مبلغ جزئی تجاوز نمی کند یا این کسری معلول اشتباه در شمارش پول، بی احتیاطی، بی مبالایی، محاسبه، توزین و نظایر آن باشد و چنان که گفته شد، به همین دلایل است که معمولاً به صندوق داران وجوهی از این بابت به عنوان فوق العاده مخصوص منظور و پرداخت می شود. در مقابل این کسری های جاری و جزئی قابل اغماض، افزایش هایی هم در انبار موجود است که معروف به «سَرک انبار» است مانند اینکه در گونی های شکر و گندم و غلات و غیره به طور کلی ممکن است اختلافی میان توزین اولیه و توزین بعدی به نفع انبار به وجود آید که البته انباردار حق برداشت و تصرف این سرک را ندارد و در عمل آنچه از انباردار می خواهند این است که جنس موجود در انبار با آنچه در دفاتر او وارد و تحویل گرفته است، مطابقت داشته باشد» (پاد، ۱۳۵۳: ۱۱۲ و ۱۱۳).

با توجه به مراتب فوق؛ اختلاس از جمله جرایم عمدی است و برای تحقق آن به نظر عدلای صرف سوء نیت عام، کافی است؛ یعنی اراده و خواست برداشت و تصاحب اموال متعلق به دولت اما برخی دیگر از حقوق دانان، سوء نیت خاص را که قصد ایراد ضرر به دولت می باشد را لازم و ضروری دانسته اند. به نظر می رسد نظر دسته اول، صحیح و ارجح می باشد. چون وقتی نتیجه قهری حادث شود، مبین ایراد ضرر به دولت است و قصد آن (ایراد ضرر به دولت)، مفروض است.

طرح چند مسئله فرضی:

۱- آقای (الف) فرماندار شهرستان ... یک فقره چک تضمینی به مبلغ دو میلیارد ریال به یکی از کارکنان فرمانداری تسلیم تا وی پس از وصول آن، تجهیزات اداری برای فرمانداری خریداری نماید. نامبرده چک را از دو میلیارد به سه میلیارد ریال تغییر داده و پس از وصول آن، نسبت به خرید تجهیزات به مبلغ دو میلیارد اقدام می نماید. در میان راه تصمیم می گیرد برخی از اقلام خریداری شده را به منزل خود منتقل نماید و بخشی از آن را اتلاف می کند تا وانمود سازد سارقین، اموال را به سرقت برده و بخشی از آن را تلف کرده اند. چه اتهام یا اتهاماتی در این مورد قابل انتساب می باشد؟ پاسخ؛ در این مسئله، اتهامات زیر، متوجه فرد است:

۱- جعل چک؛

۲- استفاده از سند مجعول؛

۳- کلاهبرداری نسبت به بانک محال علیه؛

۴- اختلاس نسبت به تجهیزات خریداری شده که به خانه منتقل کرده است؛

۵- یک مقدار از اموال را نیز اتلاف عمدی کرده که مجازات اختلاس را دارد.

ولی نسبت به چک دو میلیارد ریالی اختلاسی نکرده است؛ زیرا با آن کالا خریداری کرده است. استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی دارند. هر جا سند فی نفسه قابلیت اضرار به ثالث داشته باشد (مانند چک تضمین شده) مشمول مقررات تعدد قرار می گیرد.

۲- آقای (الف) مسئول توزیع اقلامی همچون برنج، روغن و شکر است که از کارکنان وزارت بازرگانی بوده است. نامبرده در حین توزیع این اقلام با وصف اینکه طبق مصوبات، مقداری از این اقلام به عنوان افت مصوب، محسوب می شود، به همین میزان (به مقدار افت مصوب) از اقلام فوق برداشت و تصاحب می کند. دادگاه نیز او را به دلیل اینکه این میزان برابر افت مصوب بوده، تبرئه می نماید. آیا اقدام دادگاه در تبرئه از حیث قانونی صحیح است یا خیر؟ پاسخ؛ به طور مثال از هزار تن برنج، مقداری از آن به دلیل سوراخ بودن گونی، زمان حمل و نقل هدر می شود یا روغن به دلیل تبخیر از بین می رود. لذا همیشه مقداری از این کالاها را به عنوان افت کالا مصوب می کنند. وظیفه دادستان است که مشخص کند مبنای کسری، برداشت و تصاحب است و یا اینکه وجود افت کالا است. اگر دادستان اثبات کرد که مرتکب، بخشی از مال سپرده شده را در قالب افت مصوب در بازار به فروش رسانده نامش اختلاس خواهد بود؛ اما اگر مرتکب نتواند منشأ این میزان کسری را ثابت کند، این به معنای اختلاس نیست، بلکه یک امر حقوقی است که باید از طریق تقدیم دادخواست حقوقی مطالبه شود، زمانی چهره اختلاس می گیرد که برداشت و تصاحب ثابت شود.

۳- آقای (الف) رئیس بانک ... با همراهی آقای (ب) که فردی است برج ساز از طریق ساختن اسناد هویتی مجعول اقدام به تشکیل پرونده های تسهیلاتی می نمایند و در ساعات پایانی وقت اداری با جعل در اسناد و جابه جایی حساب ها و تخصیص تسهیلات بانکی به ظاهر مبلغ ۲۵۰ میلیارد ریال از وجوه بانک را به نفع آقای (ب) برداشت و تصاحب می کنند. سپس آقای (الف) به سمت ریاست شعبه ... بانک ... منصوب و از طریق جعل سند برداشت از حساب، مبلغ ۲۰ میلیارد به حساب خود واریز می کند. نامبردگان دستگیر می شوند و ادعا می کنند مال به آنان تسلیم مادی نشده است، قصد محرومیت دائم دولت را نداشته و عمل آنان تصرف غیرقانونی است و شخص (ب) اساساً منکر هرگونه جرمی می شود. چه تصمیمی برای آنان اتخاذ می گردد؟ پاسخ؛ اگر کارکنان دولت با غیر از کارکنان دولت در برداشت و تصاحب وجوه دولتی مداخله نمایند، سه نظر وجود دارد:

- نظریه شرکت در جرم: در برخی از کشورها عمل ارتكابی را از مصادیق مشارکت در اختلاس

۱ - چون این سند، سندی متقلبانه است که با آن، بانک را فریب داده و یک میلیارد ریال را از بانک برده است. این چک تضمین شده است و مانند پول نقد می باشد و به محض آنکه به بانک ارائه شود، از حساب فرمانداری کارسازی می گردد.

می‌دانند، اما در نظام جزایی ایران این نظریه قابل پذیرش نیست، چون مرتکب از جمله کارکنان دولت نمی‌باشد.

- نظریه معاونت در جرم: عقیده بر این است که چون برداشت و تصاحب نسبت به اموالی صورت می‌گیرد که به کارکنان دولت سپرده شده و غیر کارکنان دولت از طریق القای فکری در مصمم کردن کارکنان دولت در برداشت و تصاحب و یا یاری رساندن کارمند دولت که مصمم بر ارتکاب جرم است، از طریق فراهم کردن طریقه ارتکاب جرم یا تسهیل وقوع جرم، عمل غیر کارمند، نوعی معاونت در جرم است.

- نظریه تحقق جرایم خاص: اگر کارکنان دولت همدوش و همراه با غیر کارکنان دولت اقدام به برداشت و تصاحب اموال دولتی کنند و غیر کارمند از مصادیق معاونت، خارج شود و در عملیات اجرایی جرم شرکت کند، نمی‌توان دیگر او را معاون خواند، فلذا عملیات ارتكابی از او را باید منطبق با عناوین جزایی همچون جعل، استفاده از سند مجعول، تحصیل مال از طریق نامشروع و غیره تلقی نمود.

رویه قضایی اکثرأ حول محور معاونت است. مرجع قضایی اکثرأ مواجه است با غیر کارکنانی که کارکنان دولت را تشویق، تحریک و تطمیع کرده‌اند یا اینکه ارائه طریق کرده‌اند؛ اما در خیلی از موارد، شخص پا را از معاونت فراتر گذاشته و در عملیات اجرایی دخالت می‌کند. در فرض مسئله نیز همین گونه است زیرا شخص اقدام به ورود به حساب بانکی و برداشت وجه کرده و آن را به حساب خود واریز نموده است. در اینجا باید عمل وی با یکی از جرایم منطبق گردد. ممکن است جعل به استفاده از سند مجعول و تحصیل مال از طریق نامشروع نیاز داشته باشد. تسهیلات بانکی یک امتیاز است. آقای (ب) بدون داشتن شرایط قانونی، تسهیلات بانکی اخذ کرده. ماده ۲ قانون تشدید^۱ می‌گوید اخذ مال یا تحصیل مال از طریق نامشروع (ماده ۲ قانون تشدید را باید محدود تفسیر کرد، یعنی صدر و ذیل را باهم جمع کرد. صدرش می‌گوید امتیازات، موافقت اصولی، توزیع کالا. این ماده زمانی وضع شد که افراد در زمان جنگ از امتیازات، موافقت‌های اصولی و ... سوء استفاده می‌کردند) بنابراین اتهام کارمند دولت، اتهام اختلاس توأم با جعل و اتهام غیر کارمند، جعل و استفاده از سند مجعول و تحصیل مال از طریق نامشروع است. اضافه بر اینکه در این گونه موارد اگر جرم آقای (ب)، معاونت فرض گردد،

۱ - ماده ۲ قانون تشدید - هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به دلیل داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد تبصره - در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.

دیگر نمی‌توان او را به رد مال محکوم کرد و باید صرفاً کارمند دولت، رد مال کند، درحالی که مال در اختیار غیر کارمند است؛ اما اگر آقای (ب) به تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم شود، رد مال نیز بر عهده وی قرار خواهد گرفت؛ اما اگر نشد این گونه تصمیم‌گیری کرد، باید رد مال را از طریق قانون مبارزه با پولشویی دنبال کرد؛ بنابراین، مواردی که غیر کارمند با همکاری کارمند در جرم مداخله می‌کند، دو حالت متصور است:

- گاهی در قالب معاونت در جرم است که در این صورت براساس ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی^۱ تعیین مجازات می‌گردد.
- گاهی با شخصی مواجه خواهیم شد که از مصادیق معاونت خارج شده و در عملیات اجرایی دخالت کرده که باید عملش را با یکی از عناوین جزایی منطبق کنیم (جنحه‌سازی)؛ برای جنحه‌سازی، جرایمی را که از حیث ارکان، نزدیک به هم هستند، اما از حیث میزان مجازات متفاوتند، انتخاب خواهند شد و با این کار هم به متهم کمک کرده و هم اجرا واقعی خواهد شد. البته در رویه قضایی رد مال به صورت تضامنی پذیرفته نشده و تنها کسی محکوم به رد مال می‌گردد که مال حاصل از بزه در اختیار وی باشد. هیچ‌یک از دفاعیات متهم نیز موجه نیست زیرا؛
- تسلیم مادی، شرط نیست، بلکه تسلیم حکمی یا اعتباری نیز کافی است؛
- در نظام جزایی ما قصد محرومیت دائم و موقت تفاوتی ندارد؛
- اختلاس، جرمی آنی است که به محض برداشت و تصاحب، واقع می‌شود؛
- استرداد مال می‌تواند از موجبات استفاده از شیوه‌های تعدیلی فردی کردن مجازات (تعلیق حبس، معافیت از جزای نقدی) باشد؛
- عمل با تصرف غیرقانونی نیز منطبق نیست چون شخص، مال را از حیثه تصرف دولت، خارج کرده و با آن برخورد مالکانه کرده است، درحالی که در تصرف غیرقانونی نباید شخص نسبت به مال، ادعای مالکانه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

رفتار مجرمانه، در اختلاس به تصریح قانون‌گذار برداشت و تصاحب و جرمی مقید می‌باشد. تحقق اختلاس به پیدایش نتیجه وابسته و نتیجه آن، وارد آوردن ضرر به دولت است که هم‌زمان با تصاحب به وجود می‌آید به همین دلیل، اختلاس در بعد رکن معنوی نیاز به سوءنیت خاص دارد، استفاده از واژه «برداشت» در تعریف و ارکان جرم اختلاس، و جاهت ندارد، چه اینکه وقتی یکی از عناصر تحقق

۱- ماده ۱۲۶ اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف) هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد ب) هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارایه دهد ب) هر کس وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره ا برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

جرم اختلاس وجود مال در اختیار کارمند دولت است، دیگر برداشت مجدد معنایی ندارد، بلکه معیار تحقق جرم اختلاس، تغییر نیت و برخورد مالکانه با مال می‌باشد. از حیث موضوع و تعلق جرم اختلاس به خصوص واژه «سایر اموال» احصاء شده در ماده قانونی مربوط چنین متبادر به ذهن می‌گردد که این جرم علاوه، بر اموال منقول، در مورد اموال غیر منقول نیز قابلیت استفاده دارد؛ لذا شایسته است قانون‌گذار ترتیبی اتخاذ نماید تا روند واحدی در محاکم جاری گردد و از برداشت‌های متفاوت از واژه «سایر اموال» در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری جلوگیری شود. عوامل و انگیزه‌هایی که باعث شده است تا تصاحب اموال اشخاص که به کارمند دولت سپرده شده است، تحت عنوان جرم اختلاس قرار گیرد، همان انگیزه‌ها می‌تواند درباره تعمیم جرم اختلاس به تصاحب اموال شرکت‌های سهامی غیردولتی، تعاونی‌های خصوصی و مانند اینها نیز وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال اگر دولت اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی به اشخاص حقیقی یا حقوقی را بدهد و این اشخاص در چارچوب قانون اقدام به راه‌اندازی چنین بانک‌هایی نمایند و مردم نیز براساس اعتماد عمومی نسبت به نظارت دولت بر فعالیت افراد فوق، اموال خود را در اختیار آن‌ها قرار دهند، به‌نظر می‌آید با توجه به تعزیری بودن جرم اختلاس قانون‌گذار بتواند برای حمایت کیفی از چنین اموالی و نیز تضمین فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، تصاحب چنین اموالی را نیز تحت عنوان جرم اختلاس قرار دهد. در نهایت اینکه از جمله روش‌های جلوگیری از اختلاس مالی، نظارت و بازرسی دقیق و جدی مدیران و کارمندان دولتی توسط حراست و دفاتر بازرسی ادارات و سازمان بازرسی کل کشور است. مردم و افراد جامعه هم در جلوگیری از اختلاس اموال عمومی نقش اساسی دارند زیرا طبق فتوای علما در صورت مشاهده اختلاس توسط کارمندان باید به مسئولین اطلاع بدهند. دولت‌مردان وظیفه دارند، راهکارهای اطلاع‌رسانی سریع و دقیق را برای دریافت گزارش مردم آماده کنند.

برای مطالعه بیشتر

- ۱- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی خیانت‌درامانت و اختلاس، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز پاییز، شماره ۳۳.
- ۲- دادپرور، حسین (۱۳۳۵). ارتشاء و اختلاس، مجله کانون و کلا، دوره اول، شماره ۵۰.
- ۳- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی اختلاس و تصرف غیرقانونی در حقوق کیفری ایران، مجله دادرسی، شماره ۲۶.
- ۴- گلگون، بهرام (۱۳۸۳). فساد اداری و امنیت اجتماعی (اختلاس - ارتشاء)، مجله دانش انتظامی، شماره ۲۲.
- ۵- محمد نژاد، پرویز (۱۳۸۱). «اختلاس» دزدی از جیب دولت، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۹.
- ۶- مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا

فهرست منابع

- ۱- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۴)، توضیح المسائل، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم.
- ۲- پاد، ابراهیم. (۱۳۵۳) جزوه دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.
- ۳- جمشیدی، علیرضا. پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی، در: مجموعه سخنرانی‌های ارائه‌شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، به کوشش محمد فرجی‌ها و سید محمد حسین سرکشیکچیان، چاپخانه معاونت آموزش ناجا.
- ۴- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۵.
- ۵- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰). حقوق کیفری اقتصادی. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.
- ۶- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۹۰). تأملی بر جرایم اقتصادی از منظر بایسته‌های حقوق جزای اقتصادی. مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ضمیمه شماره ۵۶.
- ۷- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۷۵). جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم.
- ۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۹- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۶۷
- ۱۰- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
- ۱۱- قانون محاسبات عمومی
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۳- لشگری، ابراهیم (۱۳۹۳). اختلاس، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۱۴- محمدزاده، شهرام - مستشار معاونت آموزش قوه قضائیه - منتشر در پیام آموزش شماره ۱۲
- ۱۵- محمودی، عباسعلی (۱۳۷۷). روزنامه سلام، شماره ۲۲۰۳.
- ۱۶- مسعودی‌مقام، اسدالله، تقریرات درسی و دیدگاه قضایی رییس شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- ۱۷- مهاجری علی، جرایم خاص کارکنان دولت (۱۳۷۹). سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول.
- ۱۸- مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، تهران، انتشارات کیهان، جلد ۳.
- ۱۹- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۲). استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی - پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.
- ۲۰- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۶). جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ دوم.

- ۲۱- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی، تهران: نشر میزان.
- 22- Bonger, W. *Criminality and Economic Conditions* (1916), Boston, Massachusetts Little, Brown and Company. A Translation of “Criminalité et conditions économiques”
- 23- Bunic, Dragan, *Criminalistique économique*, tom 1, éd, je publie, 2010.
- 24- Bussmann, Kai-D & Markus M. Werel. Addressing Crime in Companies First Findings from a Global Survey of Economic Crime, “British Journal of Criminology”, Volume 46, Issue 6, 2006.
- 25- Chaudet, François, *Droit suisse des affaires*, 2ème édition, HELBING & LICHTENHAHN, Genève 2000.